

## بسم الله الرحمن الرحيم

بحث ما در مسئله چهارم بود ، صاحب عروة در این مسئله فرموده اند : (مسئله ۴) : إذا ثبت رؤيته في بلد آخر و لم يثبت في بلده فإن كانا متقاربين كفي و إلا فلا إلا إذا علم توافق أفقهما وإن كانا متباعدين .

این کلام صاحب عروة بود که به همراه حواشی عروة خدمتتان عرض شد و درباره آن بحث کردیم ، اما اصل مطلب این است که طبق روایات و آیات قرآن خداوند متعال ۱۲ ماه قرار داده است و این شکلهای مختلف ماه مربوط به طلوع و غروب خورشید نیست بلکه طلوع و غروب خورشید مربوط به حرکت زمین بر حول محور خود از غرب به شرق می باشد که این حرکت باعث بوجود آمدن صبح و ظهر و مغرب و عشاء و نصف شب و ... می شود که در این مطلب هیچگونه شکی نیست ، اما مسئله ماه غیر از این مسئله می باشد چپرا که ماه یک حرکتی دارد من جمله اینکه به دور زمین می چرخد و از طرفی هم وضع و محاذاتی با خورشید دارد که نتیجه این وضع و محاذات گاهی هلال است و گاهی تربیع اول و گاهی بدر و گاهی تربیع ثانی می باشد و در واقع اینها حالتها و شکلهای مختلفی هستند که ماه در عالم تکوین در حرکتهای خودش پیدا می کند و هر کدام از این حالتها و شکلهای در طول ۱۲ ماه یکبار بیشتر اتفاق نمی افتد مثلاً هلال یک دفعه بیشتر اتفاق نمی افتد و هلال هم به این است که ماه از محاق دریابد (یعنی قسمت روشنش به طرف ما بیاید ) ، که این اول ماه و یک امر واقعی سماوی می باشد چه ما بدانیم و چه ندانیم و چه ببینیم و چه نبینیم ، خوب از طرفی شارع مقدس رؤیت را طریق برای این واقعیت قرار داده یعنی رؤیت موضوعیت ندارد بلکه طریق علم به این واقع می باشد که علم هم گاهی تمام موضوع است و گاهی شرط موضوع است و گاهی جزء موضوع است که علی ای حال علم طریقی محض می باشد برای این واقعیت یعنی تشکل ماه به شکل هلال، بنابراین به نظر بنده بحث وحدت و اختلاف افق که در مورد رؤیت هلال ماه مطرح شده یک بحث

ضعیف و بی پایه می باشد زیرا واقع یک چیز بیشتر نیست که گاهی علم به آن واقع پیدا می کنیم و گاهی علم به آن پیدا نمی کنیم پس بحث از اینکه اول ماه این بلاد با اول ماه بلاد دیگر متفاوت است برخلاف این واقع و حقیقتی است که برای ما روشن شد و از آن بحث کردیم از این جهت این بحث یک بحث بسیار مهمی می باشد . خوب و اما در مورد اقوال فقها باید عرض کنیم که دو قول در مسئله وجود دارد و گفته شده که قول مشهور آن است که اختلاف افق در مؤثر می باشد که به نظر بنده شهرت آنچنانی در مسئله وجود ندارد البته دو قول در مسئله وجود دارد هم در بین علمای عامه یعنی در بین آنها هم مثل ما دو قول وجود دارد ؛ اول اینکه اختلاف افق مؤثر است و در هرکجا که ماه رؤیت شود فقط برای همانجا اول ماه است و قول دوم اینکه اختلاف افق مؤثر نیست لذا اگر در یک جایی دیده شود برای همه نقاطی که در شب با هم مشترکند اول ماه ثابت می باشد ، و عرض کردیم که اولین کسی که بحث تأثیر وحدت و اختلاف افق در مسئله رؤیت هلال را مطرح کرده شیخ طوسی در مبسوط می باشد همچنین گفتیم که صاحب عروة نیز قائل به تأثیر اختلاف افق در مسئله هلال ماه می باشد منتهی این دو قول (تأثیر اختلاف افق ) را نمی توانیم به مشهور نسبت بدهیم زیرا عده ای هم هستند که اختلاف افق را در رؤیت هلال ماه مؤثر نمی دانند مانند علامه در منتهی ، ایشان در ص ۵۹۲ از جلد ۲ طبع قدیم و در ص ۲۵۲ از جلد ۹ طبع جدید منتهی فرموده اند : « مسئله : إذا رأى الهلال أهل بلد وجب الصوم على جميع الناس سواء تباعدت البلاد أو تقاربت . و به قال أحمد و الليث بن سعد و بعض أصحاب الشافعي . و قال الشيخ رحمة الله : إن كانت البلاد متقاربة لا تختلف في المطالع كبغداد و البصرة ، كان حكمها واحداً ، و إن تباعدت كبغداد و مصر ، كان لكل بلد حكم نفسه ، و هو قول الآخر للشافعية . .. إلى آخر . لنا : أنه يوم من شهر رمضان في بعض البلاد للرؤية و في الباقي : بالشهادة ، فيجب صومه لقوله تعالى : فمن شهد منكم الشهر فليصمه ، و قوله (ع) : فرض الله صوم شهر رمضان ، و قد ثبت أن هذا اليوم منه .... إلى آخر » بعد ایشان شروع می کنند به ذکر ادله و روایاتی که در آنها هیچ ذکری از بحث اختلاف و وحدت افق نشده است .

باب ۵ از ابواب احکام شهر رمضان می باشد ، خبر این است : «و یاسناده عن سعد بن عبدالله ، عن أحمد بن محمد ، عن احسین بن سعید ، عن محمد بن ابی عمیر ، عن هشام بن الحکم ، عن أبی عبدالله (ع) أنه قال فیمن صام تسعة وعشرين قال: إن كانت له بینة عادلة على أهل مصر أنهم صاموا ثلاثين على رؤيته قضی يوماً » .

خبر چهارم صحیحہ اسحاق بن عمار خبر ۳ از باب ۸ از ابواب احکام شهر رمضان می باشد ، خبر این است: «و عنه ، عن فضالة ، عن أبان بن عثمان ، عن إسحاق بن عمارة قال : سألت أبا عبد الله (ع) عن هلال رمضان یغم علينا فی تسع وعشرين من شعبان ؟ فقال: لا تصمه إلا أن تراه ، فإن شهد أهل بلد آخر أنهم رأوه فاقضه ، و إذا رأیته من وسط النهار فأتّم صومه إلى الیل » . خوب دو خبر دیگر مانده که انشاء الله فردا می خوانیم. ...

والحمد لله رب العالمین اولاً و آخراً و صلى الله على

محمد و آله الطاهرين

خوب و اکما همین علامه در ص ۱۲۲ از جلد ۶ تذکره طبع جدید در مسئله ۷۶ به طور دیگری فرموده اند : « إذا رأى الهلال أهل بلد و لم يره أهلا بلد آخر ، فإن تقاربت البلدان كبغداد و الكوفة كان حکمها واحداً : يجب الصوم عليهما معاً و كذا الإفطار ، و إن تباعدتا كبغداد و خراسان و الحجاز و العراق فلكل بلد حکم نفسه ، قاله الشيخ رحمة الله و هو المعتمد و به قال أبو حنيفة و هو قول بعض الشافعية.... إلى آخر » بعد ایشان علت این حکم را این طور بیان می کنند که : « و لأنّ البلدان المتباعدة تختلف فى الرؤية باختلاف المطالع و الأرض كرة ، فجاز أن يرى الهلال فى بلد و لا يظهر فى آخر ، لأنّ حذبة الأرض القريبة لمن جدّ فى السير نحو المشرق و بالعكس ». خلاصه اینکه ایشان کرویّت زمین را در رؤیت هلال مؤثر می داند ولی ما عرض می کنیم که تشکل هلال یک امر واقعی و سماوی است و کرویّت زمین هیچ تأثیری در بوجود آمدن آن ندارد. خوب همانطور که قبلاً هم عرض کردیم عمده دلیل همان روایاتی است که علامه در منتهی نیز آنها را ذکر کرده این وایات دلالت دارند بر اینکه اگر از شهر و یا شهرهای دیگری آمدن و شهادت به رؤیت هلال دادند شما شهادتشان را قبول کنید و دیگر نرسید که شهرشان دور است یا نزدیک است لذا اگر وحدت افق مؤثر بود حتماً ائمه (ع) در یکی از این روایات می فرمودند در صورتی بپذیرید و قضا بجا بیاورید که با آنها وحدت افق داشته باشید در حالی که در هیچکدام از این روایات چنین چیزی ذکر نشده ، صاحبان قول تأثیر وحدت افق این روایات را حمل بر وحدت افق کرده اند اما بنده عرض می کنم که این یک حمل بدون دلیل می باشد . خوب و اما خبر اول از آن شش خبر صحیحہ عبدالرحمن بن حجاج ( خبر ۹ از باب ۳ از ابواب احکام شهر رمضان ) بود که دیروز خواندیم. خبر دوم صحیحہ أبی بصیر خبر ۱ از باب ۱۲ از ابواب احکام شهر رمضان می باشد ، خبر این است : «محمد بن الحسن یاسناده عن لحسین بن سعید ، عن حماد ، عن شعيب عن أبی بصیر ، عن أبی عبدالله (ع) أنه سئل عن اليوم یقضى من شهر رمضان ؟ فقال: لا تنقضه إلا أن یثبت شاهدان عدلان من جميع أهل الصلاة متى كان رأس الشهر؟! وقال: لا تصم ذلك اليوم الذى یقضى إلا أن یقضى أهل الأمصار ، فإن فعلوا فصمه ». خبر سوم صحیحہ هشام بن حکم خبر ۱۳ از